



## چند قطره سرخ بر جاده‌های آبی جنوب

# یک کتاب پر حاشیه خوب

فاطمه خانعلی‌زاده  
خبرنگار



قلم نادر ابراهیمی را نمی‌توان از سه مفهوم جدا کرد: وطن، مذهب و عشق. «بر جاده‌های آبی سرخ» هم با این سه مضمون عجین شده است. داستان در دوران حکومت زندیه روایت می‌شود.

در این دوره در جنوب ایران دلاورمردی زندگی می‌کند، به نام «میرمهنا دغابی» که در مقابل انگلیسی‌ها و هلندی‌هایی که قصد دارند از راه دریا با کشتی‌هایشان به خاک ایران بیایند و استعمار تازه‌ای بنا کنند، قد علم می‌کند و فکر مبارزه با بیگانگان خواب شب را از او گرفته است.

سر دیگر روایت اما در دربار کریم‌خان زند می‌گذرد به واسطه شوهرخواهر میرمهنا که مشاور معتمد کریم‌خان است و تلاش‌های او برای یکپارچگی و وطن.

داستان در پنج کتاب نوشته شده است. مخاطب گاهی در اصفهان است و گاهی در ریگ همپای هم‌زمان هم‌پیمان میرمهنا. نمی‌توان از این کتاب حرف



و ماندگارش را بی‌هیچ دردسری ساخت و مرا و میرمهنای مظلوم مرا و دریای مقدس جنوب وطن مرا فرو نهاد...» مخاطب اما تا کتاب را در دست دارد مجذوب روایت و مغلوب شخصیت میرمهنا تا انتها با داستان پیش می‌رود و بر تصویری که نادر ابراهیمی می‌سازد، تکیه اعتماد می‌زند. از حاشیه‌های کتاب که بگذریم بر جاده‌های آبی سرخ از جهاتی با آتش بدون دود، دیگر اثر مهم نادر ابراهیمی هم قابل قیاس است. بُعد حماسی این کتاب بیشتر است اما شاعرانگی کمتری نسبت به آتش بدون دود دارد.

حضور زنان مبارز در این کتاب هم به چشم می‌خورد و بسیار از جنگاوری زنان جنوبی گفته می‌شود اما انگار وزنه مردانه داستان سنگین‌تر است و زنان زیر سایه اقدامات مردان قرار می‌گیرند.

در آتش بدون دود مارال هم دوشادوش آلتی می‌آید و اقدامات عملی‌اش کمتر از آلتی نبود اما در اینجا به نظر می‌رسد سلیمه، همسر میرمهنا فقط ابزاری است جهت بیان کردن افکار درونی میرمهنا در قالب گفت‌وگو. در کل، کتاب در جذابیت روایی و کشش داستانی ذره‌ای از آتش بدون دود عقب نمی‌ماند و مخاطب را با قدرت تا انتها با خود می‌کشاند.

زد و از مقدمه پر حاشیه نادر ابراهیمی در ابتدای کتاب حرفی نزد. نادر ابراهیمی در مقدمه کتاب می‌نویسد: «بر جاده‌های آبی سرخ عین واقعیت نیست؛ چرا که هیچ داستانی نمی‌تواند عین واقعیت باشد و هیچ واقعیتی هم نمی‌تواند عین واقعیت دیگر... سخت کوشیده‌ام هیچ اثری را که در ارتباط با این مجموعه حوادث وطن ماست و امکان دسترسی به آنها وجود داشته است، نادیده نگذارم.» در این شکی نیست که بر جاده‌های آبی سرخ راوی بخشی تلخ از تاریخ این سرزمین است.

اما تخیل نادر ابراهیمی در قهرمان‌سازی از شخصیت اصلی داستان چقدر نقش داشته است؟ راجع به شخصیت میرمهنا در طول این سال‌ها اظهار نظرهای ضد و نقیضی شده است.

برخی عقیده دارند که شخصیت میرمهنا به بی‌نقصی و طهارتی که نادر ابراهیمی عقیده داشته، نبوده است. طبق نوشته خود نادر ابراهیمی در مقدمه، یکی از این افراد ابراهیم حاتم‌ی کیا است. این کتاب در ابتدا به صورت یک فیلمنامه شانزده بخشی نوشته شده بود که قرار بود ابراهیم حاتم‌ی کیا آن را بسازد اما این قرار هیچ‌گاه محقق نشد. «رفت و به کار و زندگی خود رسید و فیلم‌های به راستی زیبا



از حاشیه‌های کتاب که بگذریم بر جاده‌های آبی سرخ از جهاتی با آتش بدون دود، دیگر اثر مهم نادر ابراهیمی هم قابل قیاس است. بُعد حماسی این کتاب بیشتر است اما شاعرانگی کمتری نسبت به آتش بدون دود دارد.

## پشت هر در رازی است

سابو از دالان‌های تودرتوی ارتباطات می‌گوید

لادن عظیمی  
خبرنگار



به موجودی رازآلود بدل کرده و سراسر رمان ارتباط تنگاتنگی با راز خانه امرنس و در نتیجه شخصیت مرموز خود او دارد. در حقیقت این بسته بودن در خانه نوعی اعلام قطع ارتباط عمیق با

آدم‌های جهان بیرون از خانه است. امرنس اگرچه شخصیتی عاطفی دارد اما نقابی از سنگدلی و بی‌تفاوتی به چهره زده است. در حقیقت او هراس خود از برقراری رابطه و پیوندی عمیق را در پس این نقاب پنهان کرده است. کتاب در ظاهر خالی از اوج و فرودها و تعلیق‌های کلاسیک است اما به دلیل کاویدن درونیات شخصیت‌ها و به چالش کشیدن عواطف بشری تمام حواس را به خود معطوف می‌کند. در واقع سابو با تصویر کردن دقیق امرنس در قالب کلمه، شخصیتی را به مخاطبش معرفی می‌کند که نمونه آن را کمتر دیده است؛ شخصیتی که با وجود ظاهر خالی از تعلیق کتاب در بخش‌های ابتدایی، مخاطب را مشتاق به ادامه دادن می‌کند. اما علاوه بر راز سر به مهر امرنس، یکی دیگر از دلایل کشش این رمان ریتم سریع آن است.

گویا سابو به درستی دریافته است که باید ضرباهنگ تند را در بازتعریف بخشی از زندگی‌اش به کار بندد تا مخاطبش به کسالت دچار نشود. بیخ‌ش‌های پایانی اثر نیز ترکیبی از ریتم تند و تعلیق است. ماگدا سابو به بهترین شکل ممکن پایان را رقم زده است؛ پایانی که آشکارکننده تضادها و تعارض‌هاست، پایانی که نشان می‌دهد روابط انسانی تا چه اندازه غیر قابل پیش‌بینی و پیچیده است، پایانی که بهتر است بیش از این در مورد آن صحبت نکنم.

«در» راه ورود است؛ راه ورود به دنیایی که از آن دیگری است، ورود به دنیایی که ما در ابتدا چیزی از آن نمی‌دانیم و تا آن دیگری در راه روی ما نگشاید، همچنان در بی‌خبری به سر خواهیم برد. همین مفهوم از واژه «در» در رمان «در» ماگدا سابو به نمادی تبدیل شده است برای بیان و تصویر کردن «ارتباط». ماگدا سابو بانوی نویسنده مجارستانی در این رمان به ماجرای از زندگی خود در قالب رمان پرداخته است که در لایه‌های زیرین آن وارد دالان‌های پیچیده روان آدمی می‌شود. سابو که خود حقیقتی‌اش و نه خود نویسنده‌اش، عهده‌دار روایت است، در این کتاب برهه‌ای از زندگی‌اش را روایت می‌کند که آدمی مرموز وارد آن می‌شود. او که بعد از دوره‌ای ممنوعیت از نوشتن، رفع ممنوعیت می‌شود و دوران اوج شهرت و نویسندگی‌اش فرا می‌رسد، ناگهان درمی‌یابد که همسرش به بیماری سختی مبتلا شده است. از این رو برای رتق و فوق امور مجبور می‌شود خدمتکار زنی به نام «امرنس» را استخدام کند. امرنس آدم مرموز قصه ماست. هیچ‌کس تا به حال درون خانه او را ندیده است. او تمام قرار ملاقات‌ها و دیدارهایش را روی بالکن خانه‌اش برگزار می‌کند و «در» اصلی ورود به منزلش را به روی همه بسته است.

این خانه اسرارآمیز، امرنس را برای همه

## فکر «بلبل» همه آن است که گل شد یارش

با «بلبل» در فرانسه سال‌های جنگ جهانی دوم زیست خواهید کرد

الهام اشرفی  
نویسنده



توسط ارتش آلمان و حضور گسترده آلمانی‌ها در فرانسه، مجبورند مدتی با هم زندگی کنند. رمان با پرداختن به سرگذشت این دو خواهر خوانده را کم‌کم درگیر جنگ می‌کند و خواننده به خودش می‌آید و متوجه می‌شود دارد پایه‌های شخصیت‌های کتاب در پارسی و به‌طور کلی در فرانسه، در صف غذاهای جیره‌بندی‌شده و در سرمای استخوان‌سوز آنجا، بی‌هیچ سوخت و لباس مناسبی زندگی می‌کند، زندگی که نه، دست‌وپا زدن برای ساعتی بیشتر زنده ماندن. شخصیت‌های رمان بحق شخصیت‌هایی پویا هستند، زنان و مردانی که اوایل روایت رفتارهایی معمولی و حتی از سر غرور دارند، اما کم‌کم و با پیشروی جنگ و فرازونشیب‌هایی که از سر می‌گذرانند، تغییر می‌کنند، سخت می‌شوند، عشق‌هایی را تجربه می‌کنند، که شاید در زندگی عادی، اصلاً اهمیتی به کیفیت و عمق آن نمی‌دادند، ولی در بالا و پایین‌های تحمیلی دوران جنگ به بینش جدیدی از زندگی می‌رسند و خواننده بی‌اینکه متوجه شود، درگیر درون‌مایه نهفته در رمان می‌شود.

رمان بلبل پرچم است، ۷۱۰ صفحه، اما بسیار خوش‌خوان و پرتعلیق است. شروعش که کنید، نمی‌توانید زمین بگذاریدش. شخصیت‌های کتاب در هر صفحه و در هر بخش، با چالش‌های تحمیلی جدید و البته تلخی مواجه می‌شوند، یعنی هرگاه که شما با خودتان فکر کنید؛ دیگر از این بدتر نمی‌شود. با حادثه و چالشی جدید، غافلگیر می‌شوید. قسمت زیادی از روان و خوشخوان بودن رمان، مدیون ترجمه روان خانم «آفاق زرگریان» است. مترجم علاوه بر ترجمه روان، به لطایف‌الهی از پس ممیزی‌ها برآمده و با انتخاب کلمات و ترکیب جملات مناسب، اتفاق‌های رمان را حذف نکرده، بلکه به روشی مناسب ترجمه کرده است.

«اگر من در زندگی طولانی‌ام چیزی یاد گرفته باشم، این است که ما با عشق می‌فهمیم می‌خواهیم چه کسی باشیم؛ در جنگ می‌فهمیم چه کسی هستیم.» این اولین پاراگراف از رمان پرچم «بلبل» اثر کریستین هانا (متولد ۱۹۶۰ میلادی)، نویسنده پرکار امریکایی، است. از همین اولین جمله‌ها آشکار است با شخصیتی مواجهیم که هم زندگی طولانی‌ای را از سر گذرانده و هم عشق و هم جنگ را تجربه کرده است. پس ما به عنوان خواننده با همین قلب حرفه‌ای داستانی، سُر می‌خوریم در قصه‌ای پرکشش. قصه‌ای که با خواندن آن در هر فصل و حتی در هر صفحه، با حادثه و گریه جدید مواجه می‌شویم. چرا؟ چون نویسنده، به قصه‌ای در دل جنگ جهانی دوم پرداخته است؛ جنگی که به‌خاطر هولناک بودنش و نیز به‌خاطر فجایع غیرانسانی عجیبی که در طی آن رخ داد، سرشار از قصه و ماجراست و طی سال‌های اخیر سوز و فیلم‌سازها و نویسندگان بسیاری بوده است. اما به نظر من نکته‌ای که این رمان را برجسته می‌کند این است که؛ بیشتر فیلم‌ها و کتاب‌های مربوط به جنگ دوم، به ماجراهای البته هولناک اردوگاه‌های یهودی‌های سراسر اروپا، که توسط نازی‌های آلمان برپا شده بودند، پرداخته‌اند. ولی کریستین هانا، در رمان «بلبل» به روایت سرگذشت دو خواهر ساکن فرانسه پرداخته است. دو خواهر، ویان و ایزابل، که اتفاقاً به‌خاطر سرگذشت تلخ ناخواسته زندگی‌شان را رابطه خواهری خوبی با هم ندارند، ولی به‌اجبار روزگار و بعدتر به دلیل شروع جنگ دوم و اشغال فرانسه

رمان بلبل پرچم است، ۷۱۰ صفحه، اما بسیار خوشخوان و پرتعلیق است، شروعش که کنید، نمی‌توانید زمین بگذاریدش. شخصیت‌های کتاب در هر صفحه و در هر بخش، با چالش‌های تحمیلی جدید و البته تلخی مواجه می‌شوند

کتاب در ظاهر خالی از اوج و فرودها و تعلیق‌های کلاسیک است اما به دلیل کاویدن درونیات شخصیت‌ها و به چالش کشیدن عواطف بشری تمام حواس را به خود معطوف می‌کند

